

شنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۳

وطن امروز | شماره ۴۲۷۹

ورزشی

گزارش

۱۰ مربی پر درآمد فوتبال جهان با پیشتازی عربستان



سرمایه‌گذاری گسترده عربستان، این کشور را به یکی از قطب‌های اصلی فوتبال جهان تبدیل کرده است. در سال‌های اخیر، لیگ حرفه‌ای عربستان به مقصدی مهم برای بزرگ‌ترین مربیان و بازیکنان دنیا تبدیل شده است. این روند، نتیجه سرمایه‌گذاری‌های کلانی است که این کشور را به یکی از مراکز مهم ورزشی در سطح بین‌المللی تبدیل کرده است.

افزایش رقابت‌پذیری باشگاه‌های سعودی، موجب رشد چشمگیر دستمزد مربیان شده است. سال ۲۰۲۵، برخی مربیان حاضر در لیگ عربستان در فهرست پردرآمدترین مربیان فوتبال جهان قرار گرفته‌اند. استفانو پیولی در صدر این فهرست در لیگ عربستان قرار دارد و پس از او ژرژ ژسوس، لوران بلان و ماتیاس یاسل حضور دارند.دستمزد این مربیان با بسیاری از مربیان برجسته لیگ‌های اروپایی برابری می‌کند و حتی در برخی موارد از آنها فراتر است.

■ **پردرآمدترین مربیان فوتبال جهان در سال ۲۰۲۵**

۱- **سیمئونه (اتلتیکو مادرید) – ۳۴ میلیون یورو در هر فصل**
دیگو سیمئونه که از سال ۲۰۱۲ هدایت اتلتیکو را بر عهده دارد، به دلیل سبک دفاعی منحصر به‌فرد و رهبری قدرتمند، این تیم را به یکی از باثبات‌ترین تیم‌های اروپا تبدیل کرده است.

۲- **گواردیولا (منچستر سیتی) – ۲۴ میلیون یورو**
پپ گواردیولا که از سال ۲۰۱۶ هدایت سیتی را بر عهده دارد، همچنان به عنوان یکی از بهترین مربیان تاریخ شناخته می‌شود و نقش او در سلطه این تیم بر فوتبال انگلیس و اروپا انکار‌ناپذیر است.

۳- **آرنتا (آرسنال) – ۲۰.۵ میلیون یورو**
میکل آرنتا که از دسامبر ۲۰۱۹ سرمربی آرسنال است، پروژه‌ای رقابتی در این تیم ساخته و اخیراً قراردادی جدید امضا کرده است، اما هواداران همچنان در انتظار کسب جام‌های بزرگ توسط او هستند.

۴- **پیولی (النصر) – ۲۰.۴ میلیون یورو**
پس از موفقیت در میلان، استفانو پیولی سپتامبر ۲۰۲۴ به النصر پیوست و به پردرآمدترین سرمربی لیگ عربستان تبدیل شد که نشان‌دهنده جاه‌طلبی این لیگ برای جذب برترین مربیان دنیاست.

۵- **مویس (اورتون) – ۱۷.۵ میلیون یورو**
دیوید مویس ژانویه ۲۰۲۵ با قراردادی بزرگ به اورتون بازگشت تا این تیم را دوباره به رقابت‌های اروپایی بازگرداند.

۶- **انریکه (پاری سن‌ژرمن) – ۱۴.۶ میلیون یورو**
لوییژ انریکه همچنان به تلاش برای کسب نخستین قهرمانی پاری سن ژرمن در لیگ قهرمانان اروپا ادامه می‌دهد.

۷- **یایسل (الاھلی) – ۱۴.۵ میلیون یورو**
ماتیاس یاسل مربی جوانی که جولای ۲۰۲۳ به الاهلی پیوست، خود را نشان داد. همچنین شخصی شد عربستان به دنبال جذب استعداد‌های جوان مربیگری است.

۸- **مورینیو (فتر باغچه) – ۱۴.۲ میلیون یورو**
ژوزه مورینیو از جولای ۲۰۲۴ هدایت فترباغچه را بر عهده دارد و به دنبال کسب عناوین مختلف در فترباغچه است.

۹- **ژسوس (الهلال) – ۱۳.۶ میلیون یورو**
ژرژ ژسوس یکی از بزرگ‌ترین نام‌های مربیگری در غرب آسیاست که توانسته خود را در میان پردرآمدترین مربیان جهان جای دهد.

۱۰- **انچولوتی (آل مادرید) – ۱۳.۳ میلیون یورو در هر فصل**
کارلو انچولوتی که از جولای ۲۰۲۱ برای دومین دوره، هدایت رئال مادرید را بر عهده دارد، همچنان به عنوان یکی از برجسته‌ترین مربیان فوتبال جهان شناخته می‌شود.

■ **سایر مربیان حاضر در فهرست**
- لوانی امری (استون ویلا) – ۱۳.۲ میلیون یورو
- لوران بلان (الاتحاد) – ۱۳.۲ میلیون یورو
■ **عربستان، قطب جدید مربیان گران‌قیمت جهان**
حضور ۴ مربی از لیگ عربستان در این لیست، نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری سنگین این کشور در فوتبال است. لیگ عربستان با جذب مربیان سرشناس، جایگاه خود را در سطح جهانی تثبیت کرده به یکی از جذاب‌ترین لیگ‌های دنیا برای مربیان و بازیکنان تبدیل شده است.

بررسی همه تحولات استقلال در سال ۱۴۰۳ که به امید فتح جام شروع شد

سال سقوط

بازی حساس و مهم در لیگ برتر و آسیا به وی می‌سپارد تا فقط سرمربی خارجی انتخاب کرده باشد!

■ **چند نکته در باب انتصابات هلدینگ**

با تغییرات مدیریتی در راس هرم هلدینگ خلیج‌فارس، شهرپاری و سهمیعی در حالی که نمره مردودی گرفته بودند، برکنار شدند. پس از مدت‌ها صرف زمان، تاجرنیا به عنوان نماینده تام‌الاختیار هلدینگ در استقلال برگزیده و هیات مدیره جدید هم منصوب شد. در حالی که انتظار می‌رفت هیات مدیره جدید از افراد توانمندتر، صاحب ایده‌تر و خوش‌فکرت‌ری تشکیل شود ولی گویا سلیقه تاجرنیا مهم‌تر بود! در باب عملکرد نماینده تام‌الاختیار نکاتی قابل ذکر است: نمایندگان تام‌الاختیار برای باشگاه استقلال، چه در این کیال (شهرپاری و تاجرنیا از طرف هلدینگ) خبری برای استقلال جز تداخل و تزاحم و تک‌محوری در تصمیم‌گیری نداشته‌اند. در بزرگه تصمیمات، نماینده مذکور رای خود را ارجح بر رای هیات مدیره می‌داند و غالباً نظر خود را اعمال می‌کند و هیات مدیره و مدیرعامل در مقابل وی منفعلانه عمل می‌کنند که مصادفیش را در این کیال مشاهده کردیم؛ ۲ مرکز تصمیم‌گیری در یک مجموعه! اگر هیات مدیره انتخاب می‌شود پس نماینده تام‌الاختیار دیگر چه صیغه‌ای است و اگر وجود چنین نماینده‌ای الزامی است به جای هیات مدیره، گروهی تحت عنوان مشاور توسط خود نماینده انتخاب شود تا هم تداخل کاری پیش نیاید و هم مجموعه در تصمیمات هماهنگ‌تر باشد و هم اختلاف کمتری را شاهد باشیم.

الان تاجرنیا همپای مدیرعامل اظهارنظر می‌کند، در صحنه حاضر است و در تصمیمات پیش‌قدم‌تر است. استقلال بااین اعضا هم **حالات** را بخران دست و پنجه نرم می‌کند!

نظری جویباری اگر می‌خواهد در این پست برای استقلال مفید باشد باید بداند فضای کنونی با دهه ۸۰ بسیار متفاوت است و وظیفه مدیرعامل باشگاهی چون استقلال صرفاً تیم خوب بستن نیست بلکه فراتر از آن است. او باید برای استقلال کاری خوداحترام قائل باشد و برایش فقط مصلحت باشگاه مهم باشد، نه رضایت برخی افراد. نظری جویباری تا اینجا ی کار فقط در نقل‌وانتقالات نیم‌فصل تقریباً خوب عمل کرده است و در سایر امور به عنوان مدیریت قانونی باشگاه، متأسفانه نمره قبولی نمی‌گیرد. لازم است مدیرعامل استقلال، ذهن خود را از فضای مجازی معطلوف به کار جدی در سکون کند. برآیند کاری کنونی این هیات مدیره نیز افق روشنی را ترسیم نمی‌سازد مگر اینکه تحول شایانی در شیوه کار خود اعمال کنند.

بعد تیم همراه با بازی‌های ضعیف و تعطیلی ۸ روزه تمرینات در نیم‌فصل اما علامت سوال و جای درنگی درباره میزان کاربلدی و به عبارت بهتر تعهد کاری‌اش ایجاد می‌کند! چه شد که استقلال از آن تیم احیاشد و امیدوار کننده برابر الاهلی و فولاد به تیمی بدل شد که در برخی بازی‌هایش از ایجاد موقعیت نیز عاجز بود؟ آیا به قول خودش (در مصاحبه با رسانه‌های کشورش پس از فسخ قرارداد)، نبود ابزار مورد نظرش او را در کارش دلسرد و سپس مهمل کرد؟ آیا توشش فقط منحصر به همان ۲ بازی بود و بس؟ آیا رفتارهایی دید که هدفش را معطوف کاسب‌کاری مالی کرد؟ و آیاهای دیگر...! نمی‌توان گفت او توانایی نداشت اما وجه کاسب‌گری‌اش مقدم بر تعهد کاری‌اش بود و طمع ایجنت و در کلام صحیح‌تر «لاله ایرانی‌اش» برای کسب سود بیشتر، مدد کرد تا هر دو منفعت موردنظرشان را در کوتاه‌مدت به دست آورند و در این مسیر، احتمالاً برخی رفتارهای مدیران استقلال و شائبه بی‌تعالیل نبودن‌شان به قطع همکاری با وی نیز این سرمربی و ایجنتش را در رسیدن به کسب پول گراف در مدت اندک کاری باری کرد! وقتی استخدام او از طریق دل‌الان صورت می‌گیرد چنین عواقبی هم دارد اما اگر موسسینه‌انه با همان روحیه ابتدایی ادامه می‌داد بهبود اوضاع را می‌شد تصور کرد. البته درباره پیشسو، توانایی‌اش و دگرگونی رفتارش، کسانی که از نزدیک در ارتباط با باشگاه و او بودند، بهتر می‌توانند نظر دهند و شاید گذر زمان ابهامات موضوع را رفع کند.

■ **چرا بختیاری زاده؟**

پس از موسسینه‌انه تا انتخاب سرمربی بزرگ خارجی، مجددا سهراب سکندار استقلال شد. سهراب در وهله دوم مسؤولیتش، عملکرد بهتری نسبت به مرتبه اول داشت. در این برهه، سهراب از ۶ بازی، ۴ برد و ۲ تساوی کسب کرد. تیمش ۸ گل زد و ۲ گل خورد. سهراب ۲ برد در لیگ برتر، یک برد در جام حذفی و یک برد مهم در لیگ نخبیگان آسیا و یک تساوی در لیگ برتر و یک تساوی هم در لیگ نخبیگان داشت. بختیاری‌زاده از باشگاه درخواست کرد تا پایان فصل سرمربی بماند و ۲ دستیار ترکیهای هم به کارش اضافه شود اما باشگاه با خواسته‌اش مخالفت کرد و او هم استعفا کرد تا میودراک بوژوویچ از پای هواپیما و در حال رفتن به خانه، به یکباره سرر از نیمکت استقلال درآورد! عجیب است که مدیران استقلال، به بختیاری‌زاده‌ای که از جو تیم کاملاً شناخت داشت، با چم و خم کار دیگر آشنا شده بود و عملکرد رو به رشدی هم داشت اعتماد نمی‌کند و سرمربی تیم یازدهم لیگ برتر که آشنایی کافی با جو تیم نداشت را صرفاً به خاطر شکست دادن استقلال و پرسپولیس، ۲۴ ساعت قبل از داری به عنوان سرمربی برمی‌گزیند و سکان هدایت آبی‌پوشان را در آستانه ۳

را با صیاباتری اشتباه گرفته بود و دیگری اشتباهی و بدون تجربه قبلی و توسط اولی، صندلی مدیریت این باشگاه بزرگ را به دست آورده بود! با اتکا به منابع مالی هلدینگ تفکرات غلط یا بی‌تفکری خود را در دنبال می‌کردند. این ۲ همانگونه که در بحث یارگیری، خودسرانه ۲ بازیکن بنجل خارجی استخدام کردند، زیرپوستی هم به دنبال تعویض نونوام بودند، چنان که قبل از داریی رفت در سفر به دویی، به مذاکره با مجیدی پرداختند که با جواب منفی او مواجه شدند، زیرا مجیدی با توجه به تجربه‌ای که از وی داریم فردی نبود که در آن شرایط مربیگری استقلال را ببذیرد. حمایت‌های آنان از نونوام هم فقط لفاظی بود و بس. شهرپاری را هم‌کاره استقلال بود و سهمیعی نیز برای از دست ندادن موقعیتی که در خواب هم برای خودش متصور نبود، ناچار از بلقربان‌گویی به مافوق همه‌کاره خود و هیات مدیره وقت نیز که از ابتدای روی کار آمدن، به دلیل عدم آگاهی و تخصص و ناآشنایی با وظایف استود، جمعیت منفعل و فاقد اثر بودند! به هر روی، روندی که می‌شد و حتی بهتر و نیز کم‌هزینه‌تر بود تا با عنایت به پی بردن سرمربی وقت به ضعف‌های خود و تیمش، با بکارگیری سسما (مربی بدنساز) و یک دستیار خارجی در مسیر بهبود قرار گیرد به خاطر افکار و نقشه مدیران مذکور مورد بی‌توجهی عامدانه قرار گرفت تا نونوام رفتنی شود! اکنون با گذشت زمان و دیدن این شرایط، می‌توان گفت حفظ نونوام و استخدام ۲ مربی موردنظرش کاری عاقلانه‌تر و کم‌هزینه‌تر بود و اگر بهبود اوضاع را به دنبال نداشت، می‌شد برای نیم‌فصل با مطالعه دست به تغییر کرد؛ فنی زد، آن هم با یک انتخاب آگاهانه که تغییر پیاپی و بی‌سابقه سرمربی در این باشگاه را نیاز نداشته باشد! البته این تحلیل، ناقلی ایرادات و خطاهای نونوام که برای استقلال و خودش مشکلاتی نیز ساخته بود، نیست، بلکه مراد این است که با مشاهده وضمیت کنونی استقلال که برآیند آمد و شد چندین سرمربی است، فرصت دادن به وی همراه با تقویت و ترمیم کارش، تصمیمی درست‌تر بود.

■ **انتخاب موسسینه‌انه کار درست‌ی بود؟**

پیشسو موسسینه‌انه از آفریقای جنوبی جانشین نونوامی شد که پس از هفته پنجم از جمع آبی‌پوشان جدا شد. موسسینه‌انه طی ۹۴ روز حضورش در ایران، در ۱۴ بازی سرمربی تیم استقلال بود، ۱۰ بازی در لیگ برتر، ۲ بازی در لیگ نخبیگان و یک بازی در جام حذفی. او با ۳ برد، ۷ تساوی و ۴ باخت در ۹ بهمین قراردادش را با این باشگاه فسخ کرد. اگر بخواهیم او را کاربلاد بدانیم باید به یاد آوریم که با احیای بدنی و فنی تیم و نیز احیای چندین بازیکن ضعیف از جمله سیلوا، برابر الاهلی عربستان و فولاد خوزستان (۲ حریف قدر) بازی‌های دلپذیر و نتایج خوبی کسب کرد. نتایج

استقلال مدل ۱۴۰۳ تحت نظر هلدینگ خلیج فارس، مالک این باشگاه بسته شد و تا اینجا ی کار نیز تغییرات بسیاری را در مدیریت و کادر فنی داشته است. به لحاظ مالی، باشگاه استقلال از زمان تصدی گری

هلدینگ بر این باشگاه، پس از سال‌های متعادی مشکل چندانی نداشته است اما آیا در بحث فنی و تیمداری نیز چنین بوده است؟ انگار کار این باشگاه بدجور گره خورده است یا بد گرهش زده‌اند که حل شدن یکی برابر با خرابی دیگری است (منظور ۲ مبحث مالی و فنی است) و فعلاً حل شدن توانمی در کار نیست! خوش‌حالی استقلال‌ی‌ها از برطرف شدن مشکلات مالی باشگاه محبوس‌شان پس از سال‌ها، با توقیف در زمین فوتبال همراه نشده و همین داد آنها را درآورده است؛ چرا الان که اوضاع مالی باشگاه رو به راه است و آن دغدغه‌های چند ساله برطرف شده است، در مقوله فنی حتی با افت نسبت به سالیان قبل مواجه شده‌ایم؟

■ **برکناری نونوام کار درست‌ی بود؟**

الان شاید طرفداران برکناری نونوام نیز تا حدودی از موضع قبلی خویش برگشته باشند. اوضاع فنی تیم با رفتن وی نه‌تنها تغییر چندانی نکرد بلکه در بر همان پاشنه چرخید! این همه رفت و آمدهای سرمربیان، به «بهبود پایدار شرایط استقلال» منتج نشد و جز چند نتیجه خوب مقطعی و هدررفت پول مردم عایدی خاصی در پی نداشت. مدتی زمان وقت استقلال که گویا قبل از آغاز فصل، تمایلی به همکاری مجدد با نونوام نداشتند و نظر به عملکرد خوب او در فصل گذشته در عین انبوهی از مشکلات پیش روی وی و سردرگمی خود در انتخاب سرمربی‌ای واجد شرایط، مجبور به ادامه همکاری با وی شدند ولی همکاری لازم را با او نکردند، از جمله عدم عقد قرارداد با بدنساز مورد نظر وی. این سرمربی در کار خود نیز اشکالاتی داشت که منجر به چنین اوضاعی شد ولی وقتی شرایط تیمش را پس از چند هفته نامساعد دید و صدای اعتراضی هواداران را شنید، قصد اصلاح برخی کمبودها و ضعف‌ها را کرد، از جمله درخواست مجدد برای عقد قرارداد با بدنساز فصل قبل تا حضور فیزیکی در تمرینات داشته باشد و استخدام یک تمرین‌دهنده خارجی و این ۲ موضوع را حتی علنی ساخت اما مدیران وقت استقلال همکاری لازم را با وی نکردند و در عمل اراده‌ی بر همکاری با وی دیده‌نشداستخدام بدنساز و تمرین‌دهنده خارجی، می‌توانست بسیاری از ایرادات تیم نونوام را برطرف کند، بر وزن نیمکتش بیفزاید و چه بسا تیمش را از بحران به در کند اما شهرپاری و سهمیعی که مرد این میدان نبودند و یکی استقلال



درسی که باید از حذف سرخابی‌ها در لیگ الیت و سپاهان و تراکتور در لیگ قهرمانان گرفت

به خودتان بیایید



و الغرافه. الغرافه که خیلی زود از دور رقابت‌ها کنار رفت اما السد و الريان نشان دادند فوتبال قطر دیگر آن کشور شده سال‌های قبل نیست. الريان در یک‌هشتم نهایی به دست الاهلی عربستان حذف شد اما السد در خوششی خیره‌کننده، الوصل را به زانو درآورد و حالا در یک‌چهارم پایانی لیگ نخبیگان حاضر است.

■ **الوکره: قربانی همان حرفی که تراکتور را حذف کرد**

در لیگ قهرمانان آسیا ۲، الوکره قطر به عنوان تیم دوم از گروهش صعود کرد اما دست بر قضا، در یک‌هشتم نهایی با همان التعاون عربستان روبه‌رو شد، تیمی که تراکتور را هم حذف کرد. درست مثل تراکتور، الوکره هم بعد از ۲ تساوی، روی نقطه پنالتی مغلوب التعاون شد. قطر هنوز در آسیا حضور دارد اما ما نه.

■ **امارات: آنها هنوز نفس می‌کشند**

امارات‌ها هم وضع‌شان از ما بهتر است. در لیگ نخبیگان، الوصل و العین نمایندگان‌شان بودند. العین که فصل قبل قهرمان لیگ قهرمانان آسیا شده بود، این بار با نمایشی ضعیف، آخرین تیم منطقه غرب شد و زودتر از موعد خداحافظی کرد. اما الوصل تا یک‌هشتم نهایی پیش رفت و آنجا برابر السد شکست خورد. اما در لیگ ۲ قهرمانان آسیا، ۲ نماینده امارات، یعنی شارجه و الاهلی، به عنوان صدرنشینان گروه‌های‌شان صعود کردند و سپس با عبور از نمایندگان اردن، خودشان را به یک‌چهارم نهایی رساندند. نکته جالب؟ این ۲ تیم در این مرحله برابر هم قرار گرفتند! بازی‌های رفت و برگشت ۲ تیم با تساوی به پایان رسید و در ضربات پنالتی شارجه پیروز شد و به جمع ۸ تیم برتر لیگ قهرمان راه یافت. این یعنی هر چه باشد، امارات هنوز یک تیم در بین ۸ تیم برتر آسیا خواهد داشت اما ایران هیچ!

سربازهای خودی یکی‌یکی می‌افتادند و بی‌وق رقیا یک به یک به سوی بالا قذع‌لم می‌کرد و چه صحنه‌ای تلخ‌تر از این برای مردمی که از وقتی چشم باز کردند خود را بهتر و مهتر همه رقیبا در منطقه دیدند؟!



تا ۲ دهه قبل که قطر، سعودی و امارات پروژه پول‌پاشی را شروع نکرده بودند ما همواره بهترین غرب بودیم. شاید در فینال‌ها زورمان به شرقی‌ها نمی‌رسید اما دست‌کم رقابت پایاپایی را داشتیم و هر چه بود همه از ما حساب می‌بردند. شاید برای درک بهتر قضیه برای جوانان ۸۰ و نودی، مثالی همین تیم ملی امروز کافی باشد. جز زاین که بالاتر از ماست، بقیه در سطح پایین‌تری از ما قرار دارند. همین حالا تنه ما به تن سعودی‌ها بخورد بعید است توان رقابت با ما را داشته باشند. تیم‌های ملی قطر و امارات را هم که راه به راه می‌بریم.

کلاً آنقدر سن‌تازه داریم که به‌راحتی به جام‌جهانی صعود کنیم اما در رده باشگاهی، به واسطه پول‌های کلان، اوضاع کاملاً متفاوت است.

در این متن به وضعیت باشگاهی رقبای اطراف‌مان می‌پردازیم و همین‌جا برای بار دهم هشدار می‌دهیم: صدای زنگ خطر را بشنویید. کسی نمی‌گوید اندازه سعودی دیوانه‌وار سالانه یک میلیارد یورو هزینه کنیم اما باید به خود بیاییم و حرکتی در سطح کلان‌تر کنیم.

■ **کارنامه‌ای آکنده از شکست**

نفس‌های‌مان حبس شده بود، دست‌های‌مان مشت شده بود، امید داشتیم شاید این‌بار، شاید این‌دفعه... اما نا‌آه دوباره همان قصه تکراری، همان پایان تلخ. حالا که کارنامه آسیا را روی میز گذاشته‌ایم، نام‌های آشنایی لیگ ایران را در لیست خروجی‌ها می‌بینیم: تراکتور، استقلال، پرسپولیس، سپاهان؛ یکی‌یکی شکست خوردند و نمایندگان دیگر کشورها، یکی‌یکی جشن صعود گرفتند.

■ **تراکتور و آن شب لعنتی در بنات‌التا**

تراکتور رفت که برگردد، رفت که غرور از دست رفته باشگاهی ما را ترمیم کند، رفت که یک «ه» بزرگ جلوی حذف‌های سریالی بنویسد اما در نهایت، در دل تاریک شب، روی همان نقطه لعنتی